

خشونت خاص زوج های دگر جنسگرا نیست



عکس: [Amnesty International](https://www.amnesty.org/)

نویسنده: شهرزاد پورعبدالله ، مشاور و روان درمانگر خانواده

وقتی به زوج فکر می کنیم در ذهن اغلب ما تصویر يك زن و يك مرد نقش می بندد. وقتی به خشونت خانگی فکر می کنیم در اکثر مواقع زنی را می بینیم که قربانی خشونت يك مرد واقع شده است. ولی آیا خشونت خانگی فقط در میان زوج های دگر جنسگرا اتفاق می افتد؟ آیا اطلاق این نوع خشونت به زوج های دگر جنسگرا نشانه عدم شناخت کافی ما از هم جنس گرایی نیست؟

واقعیت امر این است که احتمال بروز خشونت خانگی در زوج های هم جنسگرا نیز وجود دارد. در سال ۱۹۹۰ نتیجه تحقیقی در آمریکا نشان داد که نه تنها خشونت در میان زوج های هم جنسگرای زن وجود دارد بلکه زن هایی که تجربه زندگی زناشویی را هم با مرد و هم با زن داشته اند، گفته اند که شدت خشونت جسمی، روحی و جنسی که با همسر هم جنس شان تجربه کرده اند بیش از شدت آن با مردها بوده است.

در این تحقیق که روی ۳۵۰ لژیبن انجام شده، از آنها سؤال می شود آیا آنان از طرف شریک زندگی شان مورد خشونت جسمی، روحی و جنسی قرار گرفته اند یا نه؟ از این میان ۱۷۰ نفر به سوالات پاسخ دادند. ۱۲۰ نفر از پاسخ دهندگان اذعان کردند که یا خود مورد خشونت واقع شده اند و یا شریک زندگی خود را مورد خشونت قرار داده اند. از ۱۷۰ نفر پاسخ دهنده، ۱۳۶ نفر گفته بودند که تجربه زندگی زناشویی را هم با هم جنسان زن خود و هم با مردان داشته اند و اکثریت شرکت کنندگان اعتراف کرده اند که میزان خشونت در رابطه با همسر هم جنس شان بیشتر از خشونت در رابطه با مردها بوده است. در ۵۷ درصد موارد خشونت از طرف شریک همجنس یعنی زنان اعمال شده و ۴۲ درصد تجربه خشونت با مردها را مطرح کرده اند. نتیجه این تحقیق نشان داد که بیش از جنسیت، وابستگی عاطفی و احساس حسادت موجب بروز خشونت بوده است.

باز هم در آمریکا نتایج تحقیق دیگری روی خشونت خانگی نشان داده که میزان بروز خشونت در زوج های هم جنسگرا مشابه میزان آن در زوج های دگر جنسگراست. اولین تحقیق جدی در این زمینه که در سال ۲۰۰۲ انجام شده است، نشان داده که از هر پنج مرد هم جنسگرا دو نفر تجربه خشونت خانگی داشته اند و مردان جوان بیشتر از دیگران قربانی خشونت بوده اند. تفاوت قربانیان هم جنسگرای جوان با زنان قربانی زوج های دگر جنسگرا در این است که در اولی به دلیل پایدار نبودن رابطه در اکثر مواقع خشونت به مدت کوتاه و از طرف افراد مختلف اعمال شده، در حالی که در زوج های دگر جنسگرا مدت خشونت طولانی تر و اغلب از طرف يك نفر اعمال می شود.

آنچه که در زوج های هم جنسگرا علاوه بر رفتار خشونت آمیزی که در زوج های دگر جنسگرا هم وجود دارد دیده شده، فشار و تهدیداتی است که گاهی از جانب یکی به دیگری وارد می شود. در مواردی که مثلاً شخص سلیقه جنسی خود را از خانواده اش مخفی نگه داشته، در زمان جدایی از طرف شریک زندگی تهدید به افشای واقعیت شده و در نتیجه علی رغم میل خود مجبور به ماندن و ادامه دادن به رابطه شده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه اکثر خانواده ها هم جنس گرایی فرزندشان را نمی پذیرند، فرد قربانی با وجود خشونتی که

متحمل می شود می داند که اگر به بخواهد به رابطه پایان دهد از حمایت خانواده خود برخوردار نخواهد بود و جایی برای پناه بردن ندارد.

امروزه بی عدالتی و عدم وجود قوانین حمایتی، حتی در کشورهایی که در آنها هم جنس گرایی نه تنها يك انحراف جنسی محسوب نمی شود بلکه نسبتا به رسمیت شناخته شده است هم وجود دارد. این امر موجب می شود که هنوز قاطعیتی که قانون در برخورد با خشونت خانگی در زوج های دگرجنس گرا - به ویژه وقتی مرد عامل خشونت است - دارد با زوج های هم جنسگرا نداشته باشد. واقعیتی که موجب می شود بسیاری از موارد خشونت خانگی در بین زوج های هم جنسگرا مسکوت بماند.

متأسفانه آمار خشونت خانگی تنها بخش کوچکی از واقیت این امر است. اکثر قربانیان هرگز از همسرشان شکایت نکرده و حتی در کشورهایی که از حمایت قانون برخوردار بوده اند به هیچ مرجع قانونی مراجعه نمی کنند. از همین رو بر این باورم که میزان خشونت خانگی همچنان در میان زوج های دگرجنسگرا بیش از همجنس گرایان اتفاق می افتد.

از همین روست که شاید وقت آن رسیده باشد که به پدیده خشونت خانگی صرفا به عنوان يك پدیده جنسیتی نگاه نکنیم. شاید بهتر باشد برای فهم بهتر این پدیده در روابط انسانی، به جای اینکه تنها و تنها به جنسیت آنها اهمیت دهیم، روی کیفیت و نحوه رابطه میان آنان تمرکز کنیم.

مرجع آمارها:

Renzetti, C.M., Violent Betrayal; Partner Abuse in Lesbian Relationship, Newbury Park, CA Sage, 1992.

American Journal of Public Health, vol. 92, n 12. 12th of December 2002